آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۳۲۱
سه شنبه
۱۴۰۴•۱۱•۲۱
۲۱ شعبان ۱۴۴۷ / ۱۰ فوریه ۲۰۲۶

اخبار

واردات گازوئیل صفر است

مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی گفت: میزان مصرف نفت گاز نیز نه تنها ۴ درصد رشد نداشته، بلکه ۴ درصد کاهش یافته و به این ترتیب کشور از واردات بی نیاز شد.

محمدصادق عظیمی فر در مراسم بهره برداری رسمی از صدور آنی کارت هوشمند سوخت با بیان اینکه در ۱۱ ماه سال ۱۴۰۴ با کاهش مصرف فراورده مواجهیم، اظهار داشت: امسال در حوزه ال پی جی با ۱۴ درصد کاهش نسبت به سال گذشته مواجهیم، میزان مصرف نفت سفید نیز ۲۴ درصد کاهش یافته است.

وی افزود: میزان مصرف نفت گاز نیز نه تنها ۴ درصد رشد نداشته بلکه ۴ درصد کاهش یافته و به این ترتیب کشور از واردات بی نیاز شد.

مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی با بیان اینکه پارسال یک میلیارد دلار واردات نفتگاز داشته ایم، گفت: امسال تامین سوخت نیروگاه بدون چالش انجام می شود به طوری که ذخایر سوخت نیروگاهی ۲ برابر سال گذشته و در شرایط پایدار است و برخلاف پارسال قطع برق نداشتیم.

وی تاکید کرد: در زمینه مصرف بنزین نیز رشد مصرف با اصلاح قیمتی بنزین نسبت به پارسال ۳ درصد کاهش داشته است.

وی در ادامه با بیان اینکه کشور چند سالی است با ناترازی انرژی مواجه شده است، افزود: این ناترازی به دلیل رشد شتابان تولید بوده است.

عظیمی فر با بیان اینکه در هیچ جای دنیا نمی توان ناترازی را فقط با اتکا به تولید رفع کرد، تصریح کرد: نگاه به مقوله مصرف نباید ساده انگاره باشد و باید به این پدیده به صورت جدی و با واکاوی دلایل پیش رفت، چراکه تا وقتی ارزیابی دقیقی از علل افزایش مصرف وجود نداشته باشد، نمی توان به حل موضوع مدیریت مصرف پرداخت.

وی با اشاره به اقدام های انجام شده در حوزه مصرف گفت: رویکرد شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران، اصلاح تدریجی مدیریت مصرف و ناترازی است و باید اقدام ها در حوزه مصرف مستمر باشد.

فلسفه تغییر ساعت رسمی در کشورهای مختلف

یک کارشناس اقتصادی در تشریح فلسفه تغییر ساعت رسمی در ابتدای فصل های گرم و سرد سال، تأکید کرد که هدف اصلی این کار در سطح جهان، مدیریت مصرف انرژی و استفاده بهینه از روشنایی طبیعی روز است؛ نه لزوماً افزایش بهره وری کاری.

بر اساس قانونی که از دو دهه قبل داشتیم دولت سالانه ساعت را یک ساعت به جلو می کشید و در ابتدای مهرماه نیز ساعت را به حالت اولیه بر می گرداند اما از سال ۱۴۰۱ طبق مصوبه جدید مجلس، اجازه شناورسازی ساعت کار ادارات به دولت داده شد. اکنون نیز با توجه به بررسی هایی که در توانیر و وزارت نیرو انجام شده و تاثیری که جابه جایی ساعت در صرفه جویی انرژی دارد، سازمان اداری و استخدامی لایحه دو فوریتی برای تغییر ساعت رسمی کشور را به مجلس ارائه کرد که روز گذشته اعلام شد که کمیسیون اجتماعی در جلسات هفته جاری خود به بررسی لایحه اختیار دولت در تغییر ساعت رسمی کشور و تغییر ساعت کاری کارمندان دولت می پردازد.

در این زمینه مصطفی صفاری در گفت وگو با ایسنا، با اشاره به بی توجهی نسبی به این موضوع در ایران به دلیل ارزانی انرژی، اجرای آن در کشورهایی مانند ترکیه را نمونه ای از عزم جدی برای کاهش هزینه های ملی برشمرد.

او ادامه داد: ساعت ها را جلو و عقب بردن به دلیل بهینه سازی مصرف انرژی و استفاده از روشنایی طبیعی روز است. در تابستان و زمستان، با هدف صرفه جویی در انرژی برق، ساعت های کاری در بسیاری از کشورهای جهان تغییر می کند. نکته اساسی این است که با تغییر ساعات اداری و تعیین زمان شروع کار، از روشنایی روز حداکثر استفاده شود.

او افزود: مثلا وقتی در تابستان ساعت پنج صبح هوا روشن است، ساعت را یک ساعت جلو می برند تا مثلاً به جای ساعت ۸، ساعت ۷ باشد و افراد در روشنایی روز کار خود را آغاز کنند و برعکس در زمستان. بنابراین، هدف اصلی این تغییر، مدیریت انرژی است نه بهره وری.

صفاری عنوان کرد: از این طریق، در ساعات کمتری از شب از انرژی برق برای روشنایی استفاده می شود. متأسفانه در ایران، به دلیل ارزان بودن انرژی، چندان به این موضوع توجه نمی شود.

وی در ادامه با مقایسه شرایط ایران و ترکیه بیان کرد: در بسیاری از کشورها، مانند ترکیه، با غروب آفتاب اغلب مغازه ها (به جز فروشگاه های مواد غذایی و رستوران ها) تعطیل می شوند. آن ها می گویند «در روز خرید کنید» و اگر کسی مانند ما مغازه خود را در شب روشن کند، باید هزینه بسیار بالایی بپردازد؛ چراکه انرژی گران است و هدف، استفاده از نور طبیعی و صرفه جویی در مصرف برق است.

این کارشناس اقتصادی به تأثیر عدم تداوم تغییر ساعت در ایران اشاره کرد و گفت: در ایران، در سال های اخیر که تغییر ساعت اجرا نشده، مجبور شده اند ساعات کاری ادارات را به طور مکرر تنظیم کنند. مثلا بانک ها در مراکز تجاری گاهی ساعت ۶ صبح باز می شدند و سپس تا ساعت ۹ تعطیل می ماندند تا درها باز شود و مراجعه کنندگان بیایند. در حال حاضر، آنچه تغییر نکرده، حداقل با طرح بهره وری جبران می شود.

صفاری خاطرنشان کرد: این موضوع به موقعیت جغرافیایی کشورها بستگی دارد. مثلا در کشورهای اسکاندیناوی ممکن است این کار انجام نشود، اما در کشورهای نزدیک به خط استوا یا همسایه ماکه در عرض جغرافیایی مشابهی قرار دارند، این تغییر ساعت اجرا می شود. تا جایی که اطلاع دارم، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ای که با چالش کمبود یا گرانی انرژی مواجهند، این سیاست به صورت گسترده یا محدود دنبال می شود.

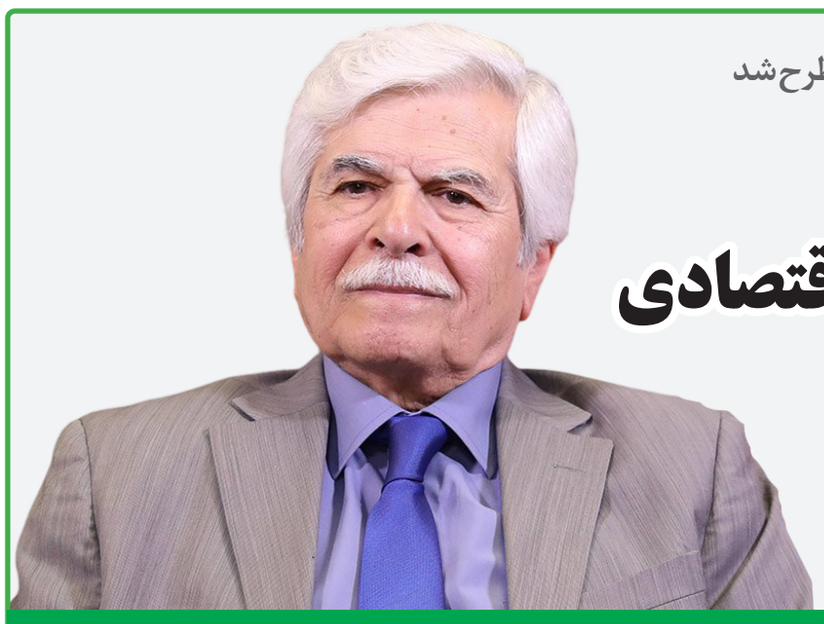

در گفت وگوی «آرمان ملی» با محمود جامساز مطرح شد

سایه روشن جنگ از منظر شاخص های اقتصادی

دیپلماسی جنگ با پارامترهای اقتصادی

محک وقوع جنگ با عیار اقتصاد

آرمان ملی صدیقه بهزادپور: همزمانی تحرکات نظامی آمریکا در خلیج فارس با آغاز دوباره گفت وگوهای غیرمستقیم در عمان، تصویر پیچیده ای از رفتار آمریکا با ریاست جمهوری ترامپ ترسیم می کند. چراکه به گواه اکثر کارشناسان، ترامپ بیش از آنکه شخصیتی سیاسی به عنوان رئیس جمهور آمریکا داشته باشد، تاجری است که موضوعات اقتصادی بیش از هرچیز برای وی اهمیت دارد و همین نگرش معامله گری او در سیاست خارجی وی به خوبی بازتاب یافته است. در این بین، ترامپ معمولاً جنگ را نه به عنوان یک ضرورت ژئوپلیتیکی، بلکه به مثابه یک پروژه پرهزینه با بازده نامعلوم می بیند که به خوبی نتایج آن را در تجربه جنگ های طولانی آمریکا در عراق و افغانستان، که میلیاردها دلار هزینه بدون دستاورد اقتصادی ملموس، قابل مشاهده است که بارها در گفتمان او به عنوان نمونه شکست سیاست گذاری سنتی آمریکا مطرح شده است. از این نظر، حمله مستقیم به ایران برای ترامپ تنها زمانی قابل تصور است که یا هزینه آن محدود و کنترل پذیر باشد، یا بتواند منافع اقتصادی و سیاسی روشنی را در کوتاه مدت تضمین کند. به باور کارشناسان؛ از نظر اقتصادی، یک جنگ مستقیم با ایران پیامدهایی فراتر از هزینه های نظامی دارد. افزایش شدید ریسک ژئوپلیتیک در خلیج فارس می تواند بازار انرژی را دچار شوک کند. هرچند افزایش قیمت نفت در نگاه اول ممکن است به نفع برخی تولیدکنندگان آمریکایی باشد، اما در مجموع می تواند تورم داخلی آمریکا را تشدید کرده و هزینه زندگی را برای مصرف کنندگان بالا ببرد؛ موضوعی که برای ترامپ، به خصوص در فضایی که رویکردهای مهمی چون جام جهانی فوتبال، انتخابات و... را پیش رو دارد و نتایج جنگ می تواند تاثیرات مستقیمی در عملکرد او در اذهان عمومی آمریکا، داشته باشد، از اهمیتی خاص برخوردار است، چراکه، بی ثباتی در بازارهای مالی جهانی و واکنش منفی بورس ها، می تواند تصویر «مدیریت اقتصادی موفق» او را تضعیف کند. به اعتقاد صاحبنظران، دستاوردهای اقتصادی بالقوه جنگ چندان روشن نیست. برخلاف برخی مداخلات گذشته، ایران بازاری بکر برای سرمایه گذاری سریع پس از جنگ تلقی نمی شود و نه کشوری که زیرساخت هایش به سادگی امکان بازسازی سودآور توسط شرکت های آمریکایی را فراهم کند. تحریم ها، پیچیدگی های سیاسی داخلی و منطقه ای، و واکنش بازیگران بین المللی، همگی ریسک سرمایه گذاری پساجنگ را بالا می برند. بنابراین، جنگ در منطقه لزوماً به یک «معامله خوب» از نگاه ترامپ تبدیل نمی شود. اما در عین حال، نمایش قدرت نظامی و اعزام ناوهای جنگی می تواند بخشی از تاکتیک فشار برای بهبود موقعیت چانه زنی باشد؛ ابزاری که هزینه اش کمتر از جنگ تمام عیار است اما می تواند امتیازات سیاسی یا اقتصادی مشخصی را در میز مذاکره به همراه داشته باشد. برای ترامپ، چنین رویکردی هم راستا با منطق معامله گری است: بالا بردن فشار برای گرفتن بیشترین امتیاز، بدون ورود به مسیری که هزینه هایش از منافعش پیشی بگیرد. اما در مجموع نباید فراموش کرد که هرچند احتمالاً جنگ آمریکا با ایران برای ترامپ دارای دستاوردهای اقتصادی زیادی نباشد، و بیش از آنکه فرصت باشد، مجموعه ای از ریسک های پرهزینه است، اما شاید در فضای رسانه ای و سیاسی و... تنش آلود، ترامپ مجبور شود برای کسب امتیازاتی از برخی هم پیمانان و گروه های فشار، گزینه نظامی و جنگ را بپذیرد، حتی اگر در حد نمادین و رفت و برگشت تهاجم فی مابین دو کشور باشد. در این باره با محمود جامساز تحلیلگر اقتصادی گفت وگو کرده ایم که در ذیل مشاهده می فرمایید.

تحولات اخیر بین ایران و آمریکا با وجود اعزام ناو و تجهیزات و تحرکات نظامی در منطقه، سرانجام به مذاکرات ختم شد که در ظاهر هر دو طرف از نتایج آن راضی بوده و ادامه آن به دور بعد موکول شد. نظر و ارزیابی شما در این باره چیست؟

معمولا مذاکرات غیر مستقیم یعنی مدل پیام رسانی رفت و برگشتی، نتیجه آنچنان مثبت، صریح و قابل استنادی نداشته است. این مذاکرات فقط با هدف کنترل بحران، نه توافق موقت و نه سند رسمی انجام می شود. در حقیقت، در مذاکرات غیر مستقیم اخیر مسقط دستور کار مشخص نبود. شکاف بزرگی بین خواسته های دو طرف وجود دارد که باعث شد که مذاکرات فاقد یک چارچوب منطقی و تعریف شده باشد. از نگاه ایران محور مذاکرات برنامه هسته ای بود با انتظار دریافت امتیاز اقتصادی فوری از جمله آزادسازی بخشی از دارائی های مسدود شده و تسهیل در فروش نفت و بازگشت منابع آن، اینکه عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، تنها موضوع هسته ای را در مذاکره تکرار می کند، شکل تقلیل یافته خواست های طرف مقابل است که می خواهد مذاکره در مورد آنها را تا انتخابات میان دوره ای آمریکا طولانی کند به این امید که شاید تا آن زمان جو فکری کنگره برعلیه جنگ تغییر کند. در این راستا نباید این مسئله را از نظر دور داشت که از نظر آمریکا، غنی سازی صفر درصد مهم ترین هدف است اما این به معنای صرف نظر از موضوع موشک ها و نیروهای مقاومت نخواهد بود؛ موضوعاتی که خطوط قرمز ایران محسوب می شود. در هرحال، با توجه به شکاف بزرگ بین مطالبات طرفین، این نشست نباید برگزار می شد، چراکه نتیجه آن از قبل مشهود بود به این مفهوم که با اعلام آشکار شدن مواضع دو طرف، زمان دور بعدی گفت وگو پس از بررسی در پایتخت های دو کشور تعیین خواهد شد، رویه ای است که قبلا در مذاکرات قبل از جنگ ۱۲ روزه هم تکرار شد و طرفین هم به این شیوه آگاهی کامل دارند. با این حال هنوز این روش ادامه دارد چون در واقع مذاکره برای مذاکره و توافق نیست بلکه هدف مدیریت بحران است. ایران قصد دارد در شرایط خطیر خطر جنگ را برطرف کند و از طرف دیگر، ترامپ نیز نگران وقایع و شرایط پیش بینی نشده پس از حمله است که ممکن است به موقعیت سیاسی وی صدمه بزند به ویژه که انتخابات میان دوره ای آمریکا هم در پیش است. در نتیجه به نظر می رسد که نتیجه این مذاکرات به سبب ماهیت ضد مذاکره خود بسیار شکننده و پر تنش باشد و خوش بینی در نتیجه مذاکرات منطقی نیست.

از نظر شما در دورهای احتمالی آینده هم توافقی به دنبال نخواهد بود؟

احتمالا توافق پایداری در این قالب شکل نخواهد گرفت، به این دلیل که یکی از طرفین نگاهی به زمان دارد و دیگری نگاه به هزینه و هنوز فکر می کند موقع صرف آن نرسیده است. برخی صاحب نظران معتقدند که بعید است گسیل ناوگان دریایی که هنوز بخش هایی از آن در راه است و از اوکیناوا در جنوب ژاپن و حوالی دریای چین و آمریکای جنوبی به منطقه خاورمیانه در حال حرکت هستند، فقط با هدف تحمیل توافق با ایران که به خیال آنها در موقعیت سیاسی، نظامی و اجتماعی خاصی قرار دارد صورت گرفته باشد. به ویژه آنکه مناقشات با چین بر سر تایوان هم مانع ترک ناوگان آبراهام لینکلن از منطقه شرق آسیا نشده است. به این ترتیب، بدیهی است که این اقدام آمریکا در جابجایی ناوگان دریایی وهوابی خود به مقصد حوزه سنتکام در آب های نزدیک ایران و تجهیز پایگاه های مستقر در کشورهای عربی متحد خود و تدارک سازوکارهای پدافندی آنان، از اهمیت ویژه استراتژیک خاورمیانه به خصوص، ایران حکایت دارد.

> اگر مذاکرات مسقط فرسایشی شود، نتیجه آن نه شکست و نه توافق خواهد بود، بلکه نشان دهنده یك وضعیت بلاتکلیفی سیاسی و اقتصادی است که در حقیقت به نفع جمهوری اسلامی و به زیان آمریکا و اسرائیل است

از نظر شما این بلاتکلیفی در وضعیت نه جنگ و نه صلح و ثبات چقدر می تواند برای اقتصاد ایران، به خصوص مشکل ایجاد کند؟

اگر مذاکرات مسقط که از هم اکنون دورنمای آن مشخص است فرسایشی شود، نتیجه آن نه شکست نه توافق خواهد بود، بلکه نشان دهنده یك وضعیت بلاتکلیفی سیاسی و اقتصادی است که در حقیقت به نفع جمهوری اسلامی و به زیان آمریکا و اسرائیل است زیرا دستیابی به هرگونه توافق نانوشته ای، کوتاه مدت و شکننده خواهد بود و حل ریشه ای مسأله را تعلیق به محال خواهد کرد. بعلاوه، ملاحظات و اظهارات متناقض ترامپ علاوه بر تحلیلگران سیاسی بلندپایه، بسیاری از سناتورهای آمریکایی اعم از جمهوریخواه و دموکرات را نیز شگفت زده کرده و تحمیل میلیاردها دلار هزینه انتقال و نگهداری ناوگان هوایی و دریائی و تسلیحات موشکی و نیروی نظامی را زیر سوال برده است، چراکه، نظر غالب، بر وقت خریدن جمهوری اسلامی متمرکز است و معلوم نیست که چرا ترامپ که یك سیاستمدار با پیشینه قوی یك میلیاردر اقتصادی است، چقدر مایل است هزینه های سرسام آور اعزام دارایی های خود و نگهداری آنها در منطقه را تحمل کند، چون این با منطق اقتصادی آمریکا و ترامپ در تضاد است.

> اظهارات متناقض ترامپ علاوه بر تحلیلگران بسیاری از سناتورهای آمریکایی را نیز شگفت زده کرده و تحمیل میلیاردها دلار هزینه انتقال و نگهداری ناوگان هوایی و دریائی و تسلیحات موشکی و نیروی نظامی را زیر سوال برده است

آیا اگر در پایان مذاکرات، به یک توافق بر سر آنچه که برای آمریکا هم دستاورد سیاسی و هم اقتصادی به دنبال داشته باشد، به عبارتی نتیجه ای برد-برد در برداشته باشد، نمی تواند امیدواری بیشتری به مذاکرات را ایجاد کند؟

دستیابی به توافقی با غنی سازی صفر درصد برای ترامپ یك پیروزی آرمانی است که حاضر است با بکارگیری نیروی نظامی در قالب شمشیر داموکلس، با کمترین هزینه به آن دست یابد، اما از طرفی متعهد به تأمین اهداف شریك استراتژیك سنتی خود، یعنی اسرائیل نیز هست. مساله موشك ها و نیروهای مقاومت از رویاهای اسرائیل است. علاوه بر آنکه اظهارات صریح مارکو روبیو درباره موشك ها و... به عنوان وزیر امور خارجه، موضع رسمی آمریکا تلقی می شود، لذا ترامپ با به دست آوردن توافق هسته ای البته به احتمال صفر درصد هم به سختی خواهد توانست از دیگر خواست های خود عقب نشینی کند. در هرحال اگر مسأله هسته ای در نظر باشد، اعزام این حجم از نیروی نظامی با منطق نظامی، سیاسی و اقتصادی فاقد توجیه عقلائی است.

به نظر شما آیا ایران برای حفظ منافع و دستاوردهای اقتصادی، نرمش بیشتر از آنچه که تاکنون داشته است در مذاکرات خواهد داشت؟

پیشنهاد جمهوری اسلامی بر مذاکرات و ادامه آن با الگوی رفتاری گذشته همخوان است، برای درك این موضوع لازم نیست که حتماً سیاستمدار یا تحلیلگر بود تا آن را درك کرد، اما نکته مهم و کلیدی این است که چرا آمریکا هنوز همین الگوی رفتاری را می پذیرد و هنوز امیدوار است که یك توافق ضعیف یا به عبارتی نمایش توافق و نه محتوای توافق او را پیروز نشان دهد. در مجموع با تحلیل پیشینه رفتاری جمهوری اسلامی ایران، ترامپ در دستیابی به یك توافق غنی سازی صفر درصد موفق نخواهد شد زیرا ایران بارها غنی سازی را حق مسلم خود دانسته است به گونه ای که به بخشی از مواضع و خطوط قرمز تبدیل شده است و بازگشت از آن نیز به منزله خلع سلاح کامل است و قطعاً جنگ بر تسلیم شدن در دیپلماسی مذاکره ترجیح خواهد یافت. البته این بازی دیپلماتیك نه برای پیروزی بلکه برای به تعویق انداختن لحظه تصمیم نهائی ادامه دارد. لحظه تصمیم نهائی لحظه ای است که آمریکا دیگر توان مهار اسرائیل را نخواهد داشت و صرف نظر از پاسخ ایران به اسرائیل، درگیری امکان وقوع می یابد و این همان خط قرمز واقعی است که همانا نه به غنی سازی صفر درصد خواهد بود، در این صورت گزینه نظامی از نه از سر هیجان بلکه از منطق هزینه فایده جنگ پیروی می کند.

سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران خبر داد:

ذخایر سدهای تهران در پایین ترین سطح ۴۶ سال گذشته

سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران گفت: امسال همیاران آب فعالیت خود را زودتر از سال های گذشته آغاز می کنند و با توجه به کاهش شدید ذخایر سدها، مدیریت مصرف در اولویت است. بهنام بخشی، سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران، در برنامه «سلام خبرنگار» اعلام کرد: گروه های «همیاران آب» فعالیت خود را زودتر از سال های گذشته آغاز می کنند تا مدیریت مصرف در ماه های پرمصرف سال تقویت شود. وی با بیان اینکه همیاران آب گروهی فرهنگی اجرایی در مجموعه آبفای تهران هستند، اظهار کرد: این گروه هر سال از پایان اردیبهشت فعالیت خود را آغاز می کند و با مشترکان بدمصرف به صورت تذکر لسانی، اخطار کتبی و در صورت تداوم، قطع موقت آب رفتار می شود. همچنین در طول سال تحصیلی، برنامه های فرهنگی و آموزشی ویژه دانش آموزان اجرا می شود. سخنگوی آبفای تهران با اشاره به وضعیت بارش ها افزود: به دلیل آغاز دیرهنگام بارندگی ها و پاییز خشک، میزان بارش های امسال کمتر از حد نرمال بوده است. تاکنون تنها ۶۱ میلی متر بارش ثبت شده، در حالی که سال گذشته در همین زمان ۷۶ میلی متر و میانگین بلندمدت حدود ۱۴۵ میلی متر بوده است؛ بنابراین میزان بارش کمتر از نصف حد نرمال است. بخشی ادامه داد: با وجود این شرایط، همراهی مردم قابل تقدیر است؛ به طوری که تعداد مشترکان خوش مصرف از ۳۰ به ۳۸ درصد افزایش یافته و در مقابل، مصرف بدمصرف ها و پرمصرف ها در مجموع حدود ۷ درصد کاهش یافته است. به گفته سخنگوی آبفای تهران، امسال معادل یک ونیم برابر حجم سد لتیان به شبکه آب تهران تزریق شده و شبکه پایدار مانده است، اما نباید بارش های زمستانی، ما را از دشواری تأمین آب در تابستان پیش رو غافل کند. وی درباره وضعیت سدهای تأمین کننده آب پایتخت توضیح داد: به دلیل برودت هوا و بارش های عمدتاً برفی، روان آب و ذخایر سدها رشد چندانی نداشته و در حال حاضر ورودی و خروجی سدها تقریباً برابر است؛ در حالی که در سال های گذشته ورودی ها پنج تا شش برابر خروجی بود. بخشی با اشاره به پیش بینی دو مقطع اوج مصرف در فصل بهار گفت: اولین مرحله مربوط به افزایش مصرف فصلی و مرحله دوم مربوط به ایام خانه تکانی است، بنابراین از شهروندان می خواهیم با پیوستن به پویش «نصفش کن» در مدیریت مصرف مشارکت کنند.

کوتاه

عیدی تقریبا ۲ برابر شد

عیدی امسال کارکنان دولت ۱۰ میلیون تومان و کارگران حداقل ۲۰ میلیون تومان است که طبق شنیده ها عیدی کارکنان با حقوق بهمن یا اواسط اسفند واریز می شود. دولت تصمیم گرفت عیدی ۱۴۰۵ کارکنان را به حدود دو برابر پیشنهادی افزایش دهد. شب گذشته با تاکید رئیس جمهور و تصویب هیات دولت، عیدی کارکنان ۱۰ میلیون تومان تصویب شد. این در حالی است که پیش از این رقم عیدی کارکنان و بازنشستگان بر اساس پیش نویس تصویب نامه هیات وزیران و همچنین توسط دستگاههای ذی ربط بین ۴.۵ تا ۵.۵ میلیون تومان پیشنهاد شده بود که به این ارقام ۱.۵ میلیون تومان حق همسر و ۵۰۰ هزار تومان به ازای هر فرزند افزوده می شود. با این حساب عیدی بازنشستگان نیز همانند عیدی کارمندان ۱۰ میلیون تومان خواهد بود. عیدی کارگران هم بر اساس قانون کار باید بین ۶۰ تا ۹۰ روز دستمزد روزانه محاسبه شود. بنابراین حداقل عیدی سال ۱۴۰۵ کارگران حدود ۲۰ میلیون تومان و حداکثر آن حدود ۳۱ میلیون تومان خواهد بود. زمان دقیق واریز عیدی مشخص نشده اما معمولا عیدی بازنشستگان و کارگران در بازه زمانی ۱۵ تا ۲۷ اسفند به حساب مشمولان واریز می شود. عیدی کارمندان نیز همزمان با حقوق بهمن ماه برای این افراد واریز خواهد شد.

نبض بازار

بورس دوباره ریزشی شد

بازار سرمایه پس از پنج روز سبزپوشی، امروز ریزش قابل توجهی را تجربه کرد؛ به طوری که شاخص کل با افت بیش از ۱۰۵ هزار واحد به رقم چهار میلیون و ۶۸ هزار واحد رسید. در سومین روز هفته شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران ۱۰۵ هزار و ۷۹۲ واحد کاهش یافت و به رقم چهار میلیون و ۶۸ هزار و ۵۹۰ واحد رسید. افت امروز پس از آن اتفاق افتاد که این بازار تحت تاثیر بهبود متغیرهای سیاسی و مذاکرات پنج روز سبزپوش بود اما مجددا افت کرد. بازار سرمایه طی ماه های اخیر به اخبار مثبت و منفی فضای بین الملل مرتبا واکنش نشان داده است. شاخص هم وزن هم امروز ۲۰ هزار و ۴۵۴ واحد کاهش داشت و در عدد یک میلیون و ۱۰ هزار و ۱۸۴ واحد ایستاد. همچنین ۳۴۷ هزار فقره معامله به ارزش حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان در بازار سهام انجام شد. شاخص فرابورس هم امروز با کاهش قابل توجه ۵۴۶ واحد به ۳۰ هزار و ۸۵ واحد رسید. تعداد معاملات امروز فرابورس ۲۱۴ هزار فقره و ارزش آن ۴۴۲ هزار میلیارد تومان بود. بازار سرمایه از ۲۴ آبان روند افزایشی داشته و طی این مدت رکوردهای جدیدی را با ورود به کانال های ۳.۳، ۳.۴، ۳.۵، ۳.۶، ۳.۷، ۳.۸، ۳.۹، ۴ و ۴.۱، ۴.۲، ۴.۳، ۴.۴ و ۴.۵ میلیون واحد به ثبت رسانده بود. اما از ابتدای بهمن ماه تاکنون تحت تاثیر متغیرهای غیراقتصادی و بحران های منطقه ای تا کانال ۳.۹ میلیون واحد عقب نشینی کرد که ۱۳ بهمن کانال ۴ میلیون واحد را پس گرفت، ۱۸ بهمن کانال ۴.۱ میلیون واحد را تصاحب کرد و امروز ۲۰ بهمن مجددا آن را از دست داد. حامد قناعی. کارشناس بازار سرمایه - در تحلیل وضعیت ماه های اخیر بورس به ایسنا گفت: ریسک های سیاسی و اقتصادی در ماه های گذشته باعث رشد طلا و ارز شد اما به رکود مسکن انجامید، بورس نیز پس از یک دوره رشد، مجددا ریزشی شد که در صورت به سرانجام رسیدن توافق بین ایران و آمریکا و ایجاد آرامش در فضای کشور بازارهای مسکن و بورس رشد خواهند کرد. وی افزود: اقدام دولت برای حذف ارز ترجیحی برای یک سری صنایع مطلوب و برای برخی دیگر نامطلوب بود. به طور مثال این اتفاق می توانست به رشد قیمت خودرو و اقبال سهامداران به سهام خودرویی منجر شود. شاهد این بحث افزایش قیمتهایی بود که در بهمن ماه توسط یک خودروساز صورت گرفت. اما سازمان حمایت، مجوز افزایش قیمت را نداد و این کارشناس تاکید کرد: در واقع علاوه بر ریسک های سیاسی و کلان، برخی ریسکهای سیاست گذاری در داخل نیز وجود دارد که نشان می دهد سیاست گذار و قانون گذار نمی خواهند آزادسازی قیمت ها را بپذیرند. زیرا در یک سری حوزه ها مثل نهاده ها و نرخ بهره ذینفع هستند اما در بعضی حوزها که نفع چندانی ندارند در برابر آزادسازی قیمت مقاومت می کنند. ادامه این شرایط برای بازار سرمایه مناسب نیست. قناعی با اشاره به تنش های منطقه ای و تهدیدهای آمریکا در منطقه گفت: وقتی سایه بی ثباتی سیاسی افزایش می یابد ریسک نقدشوندگی برای سرمایه گذار نیز بالا می رود. بنابراین سمت دارایی هایی می رود که نقدشوندگی بیشتری داشته باشد. مصداق این موضوع افزایش اقبال به صندوقهای درآمد ثابت و صندوق های طلا در بازار سهام طی هفته های اخیر بود. به گفته وی، معمولا در همه جای دنیا در وضعیت جنگی یا التهابات پیش از جنگ بی ثباتی سیاسی و اقتصادی ایجاد می شود؛ بنابراین کسی افق طولانی مدتی را پیش روی خودش متصور نیست. در چنین شرایطی سرمایه گذاری بی معنی می شود. زیرا سرمایه گذار آینده را ارزیابی می کند. طبیعتا وقتی چنین شرایط نه جنگ نه صلح به وجود می آید نه تنها بازار سرمایه بلکه همه جا تحت تاثیر قرار می گیرد و همه فقط به امورات روزمره خود فکر می کنند. علت آنکه بورس در هفته های اخیر سطوح مختلف را شکست و به سمت پایین حرکت کرد همین است.